


سخن سردبیر: نقش خانواده در تعلیم و تربیت فرزند

استاد گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

شکوه نوایی نژاد 

در بین تمامی نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی، خانواده مهم‌ترین، ارزشمندترین و اثربخش‌ترین نقش‌ها را دارا است. خانواده طبیعی‌ترین و مشروع‌ترین واحد تولید مثل و فراگیرترین واحد اجتماعی به شمار می‌آید. خانواده دارای اهمیت تربیتی و اجتماعی است. افراد از سوی خانواده و در خانواده گام به عرصه هستی می‌نهند و جامعه نیز از تشکیل افراد هستی و قوام می‌باید؛ بنابراین از ارکان عمده و نمادهای اصلی هر جامعه به شمار می‌رود. بهنجاری یا ناهنجاری جامعه در گرو شرایط عمومی خانواده‌هاست و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی فارغ از تأثیر خانواده پدید نمی‌آید. نقش اصلی و آشکار خانواده تولید مثل و انتقال سینه به سینه ارزش‌ها و میراث فرهنگی و اعتقادی از نسلی به نسل دیگر است. تربیت نسل و تأمین نیازهای اساسی انسانی و ایجاد تعادل روانی، عاطفی و اجتماعی در اعضاء، از جمله اهمیت خانواده است.

خانواده در اسلام به عنوان بنیادی مستحکم و نهادی اساسی و اجتماعی محسوب می‌شود. خانواده به وسیله ازدواج به صورت یک پیمان با تکیه بر حقوق و قوانین بر مبنای مردن و رحمت استوار می‌گردد. تشکیل خانواده پیمانی و متعهدانه بین زن و مرد است که هدف آن تأمین نیازهای انسانی و آرامش و سکون آنان با یکدیگر است که تولید و پرورش فرزندان اهداف عالی‌ه انسانی آن محسوب می‌شود. فرزند پروری الزامی و یک ضرورت اجتماعی است. مهارتی است که باید پیش از فرزند آوری بیاموزیم تا روابط والد و کودک به درستی شکل گیرد. فرزند پروری مجموعه روش‌هایی است که والدین برای رشد و پرورش کودک خود به کار می‌برند؛ روش‌هایی که در ارضای نیازها، یادگیری، رفتار و عملکرد، طرز تفکر، ارتباطات و به‌طور کلی تربیت فرزندشان نقش دارد؛ بنابراین می‌توان گفت که آموختن مهارت‌های رشد در پرورش کودک از مهارت‌های پایه‌ای و زیربنای مهم فرزند آوری است.

تاریخچه فرزند پروری: شیوه‌های فرزند پروری از دهه ۱۹۴۰ دچار تغییر و تحول شده است. از آن زمان اهمیت عاطفی و روانی کودک سخت تأثیر روان‌کایی قرار گرفت و تربیت و سلامت روان والدین بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت؛ زیرا ویژگی‌های شخصیتی و نقش والدین در پرورش و تربیت کودک به‌طور مستقیم تأثیر دارد. مهارت فرزند پروری را باید پیش از فرزند آوری بیاموزیم. اگر تربیت و پرورش فرزند در سال‌های شکل‌گیری شخصیت به دوستی اتفاق نیفتد در بزرگسالی افراد به مشکلات حاد رفتاری، ارتباطی و عاطفی و سازگاری مواجه می‌شوند.

سبک‌های فرزندپروری: به‌طور کلی منابع (افق سلامت و بهداشت روان کودک و ...) سه سبک فرزندپروری ارائه می‌کنند:

الف) سبک مستبدانه: والدین که این شیوه تربیتی را برای فرزندان خود به کار می‌گیرند اهمیت خاصی برای نظم و تربیت قائل هستند. این سبک بر کنترل زیاد کودک و اجرای قوانین و مقررات و دستورات بی‌چون‌وچرای والدین تأکید

دارد و عواطف، احساسات و هیجانات کودک کمتر مورد توجه است. کودکان در این سبک مطیع و اغلب پرخاشگر و عصبی هستند و بعضاً ممکن است به دلیل ترس از تنبیه و سرزنش به دروغ‌گویی و پنهان‌کاری روی آورند.

(ب) **سبک سهلگیرانه:** والدین سهل و آسان‌گیر اغلب قوانین و مقرراتی محدود و اندک دارند به کودک خود آزادی می‌دهند و در برخورد با او بسیار بخشنده‌اند و به سادگی اشتباه آنان را نادیده می‌گیرند و در برابر کمترین اصرار و خواهش فرزندان، امتیازهای سلب شده از آنان را به سرعت بازمی‌گردانند. والدین روابط گرمی با فرزندان خود دارند ولی یکی از ویژگی‌های این فرزندان عزت‌نفس پائین است و مسئولیت‌پذیری و تلاش برای موفقیت در آنان کمتر مشاهده می‌شود.

(ج) **سبک مقتدرانه:** والدینی که سبک مقتدرانه را برای فرزندپروری انتخاب می‌کنند تلاش زیاد برای یک رابطه مثبت، سالم و صمیمی با فرزندان خود دارند. آنان در کنار اهمیت دادن به عواطف و احساسات کودک، قوانین مشخصی وضع کرده و پیامدهای رعایت نکردن قوانین را اجرا می‌کنند. والدین با این شیوه می‌توانند عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس کافی در کودکان پایه‌ریزی کنند. این روش ترکیبی از گرمی و حضور والدین در زندگی کودک، توجه به احساسات و عواطف آنان همراه با سطح پائینی از سختگیری در فرزندپروری است. فرزند پروری مقتدرانه به آن معناست که والدین در حالی که قواعد و مقررات مشخصی برای زندگی کودک دارند، برای اجرائی کردن آن دلایل را برای کودک شرح می‌دهند و پیامدهای اجرای آن قوانین را به زبانی ساده برای کودک بیان می‌کنند.

با کودک خود روابط گرم و محبت‌آمیز دارند و برای تغییر رفتار کودک عمدتاً از روش‌های تشویقی و نه تنبیهی استفاده می‌کنند و از سخت‌گیری‌های زیاد در روابط پرخاشگرانه و تنبیه و محروم‌سازی نسبت به کودک خودداری می‌کنند. در این شیوه تربیتی اعتماد و همدلی میان والدین و کودک زیاد و قابل توجه است. پدر و مادرهای مقتدر با هم متحد هستند و هر دو در برابر کودک سخن یکدیگر را تأیید می‌کنند. در هنگام ضرورت مسائل خانواده را به زبانی ساده برای کودک بیان می‌کنند و از نظرات و ایده‌های کودک جویا می‌شوند. یافته‌های پژوهشی نویسنده نشان می‌دهد که والدین مقتدر شاهد بهترین نتایج در وضعیت اجتماعی دوران کودکان و نوجوانان خود بوده‌اند. در چنین فضای تربیتی خانوادگی، فرزندان از دلبستگی ایمن برخوردارند و قادر به ایجاد روابط گرم با دیگران هستند؛ مطالعات نشان می‌دهد کلید فرزندپروری سالم، گرمی و صمیمیت والدین با یکدیگر است و بازتاب این رابطه مطبوع در نقش مثبت والدین تجلی می‌گردد و در نتیجه حاکمیت عشق و احترام بر فضای آرام‌بخش خانوادگی در لحظه‌لحظه‌ی زندگی کودک تجربه می‌شود.

خداوند را شاکریم که با توفیق انتشار مجموعه مقالات با محوریت «**خانواده و فرزند**» را در شماره تابستان ۱۴۰۲ به نشریه «**خانواده درمانی کاربردی**» عطا فرموده است تا از عهده رسالت سنگین فرهنگی خود در ارتباط با نشر یافته‌های پژوهشی، گزیده‌های علمی در چارچوب ارزش‌های معنوی و مطلوب نظام در حوزه خانواده و فرزندپروری و با توکل بر خداوند منان برآئیم.

دکتر شکوه نوابی نژاد

استاد گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی

(چهره ماندگار روانشناسی و مشاوره ایران)

۳۱ شهریور ماه ۱۴۰۲